

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

شاعر: زنده یاد "انیس آزاد"، ویراستاری و ارسال: احمد پوپل  
۰۱ فبروری ۲۰۲۵



زنده یاد "انیس آزاد"

[اهداء به فرشته ای که سال ها در پی دیدار من به انتظار نشسته است](#)

## اندیشه

ای بانوی پرغور عشق من  
ترا آنسوی نرده های اضطراب می بینم  
کنار جاده پراز دحام شهر  
که شاید انتهایش برایت معلوم باشد  
نمی دانم هنگامی که پشت شیشه ویتترین مغازه ها  
توقف می کنی

به چه می اندیشی؟  
به آن تفنگ کوچک  
که خیال داری برای پسرت خریداری نمائی؟  
یا بدان گدی کوکی؟  
یا خرسک مقبول  
انتخاب با توست  
آری بانوی پرغور عشق من  
تو شبانه در بستر نیلوفرین ناز می خوابی

تا آنگاه که خوابت نیامده به چه می اندیشی؟  
شاید به ستاره ها که تک تک نابود می شوند  
یا به خورشید که فردا طلوع خواهد نمود  
آری بانوی من  
تو به هرچه دلت می خواهد بیندیش  
به آذان نماز صبح  
به صدای ناقوس کلیسا  
به دشنه های خون آلود  
به باغ ها،  
به دریا ها،  
به برکه ها  
و ماهی ها  
و بیندیش  
به میدان ها و مجسمه ها،  
به قدم های سریع و شتاب  
به تفنگ،  
به ناله ها و صداهای دلگیر  
به شلاق ها، به زندان و زندانیان  
به یتیمان،  
به فاصله ها  
و سرک های «اسفالت» شده  
به مرد ها و زن ها  
به کوره راه ها و خیابان ها  
به شب ها و روزها  
به مادران و پسران  
به طلوع، به غروب  
به درجه های علمی،  
به روزنامه نگاران،  
و چاپخانه ها  
به آب های ایستاده و جاری  
به جنگ،  
به صلح،  
به قاره ها،  
به کشور ها،

به وطنت  
به خزنده ها و پرنده ها  
به تیرباران های سحرگامی  
به وطنپرستی و وطنفروشی  
به دیوار ها و دیوانه ها  
به ملت ها  
به گذشته  
به حال  
و آینده  
به گلوله ها  
به غرور شیران در قفس  
حتی به دودِ مردهٔ سگرت  
و... و... و...  
آری بانوی مغرور من!  
به دورترین گوشه و زوایای زندگی ببندیش  
و بالاخره به من،  
که ترا دوست دارم.